

معماری اورارتویی

از: ولفرام کلایس

برگردان: فرامرز نجد سمیعی

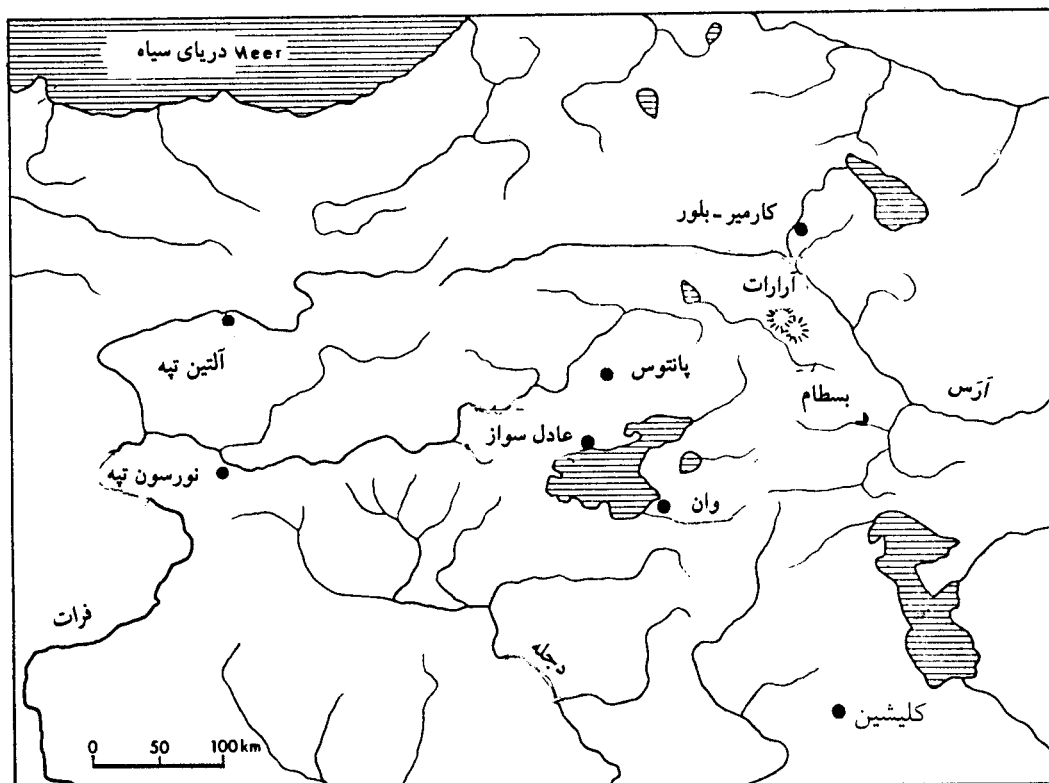
هم ارتباط می‌داده است. در این نقاط چندین قلعه اورارتویی، قرارگاه یا محوطه مسکونی که بیشتر در حاشیه دشتها قرار دارند پراکنده است. در یک محوطه مسکونی بزرگ که مقر اصلی بوده است، یک ویرانه بر اساس موقعیت، اندازه و اهمیت یافته‌هایش از سایر ویرانه‌ها متمایز می‌شود. در دوره اورارتویی در این محوطه‌های مسکونی کشت و زرع می‌شده است. امروزه هنوز هم کانالهای آبیاری مورد استفاده اورارتوها یا دست کم بقایای مشهود آنها در اراضی، گواه بر این امر هستند.

معماری اورارتویی، به ویژه ماهیت معماری حصار استحکامات، ناگزیر بوده است از شرایط آب و هوایی سخت با ریزش برف و باران شدید در زمستان و نیز از مشکلاتی که بناها به ویژه موقع ساختن در روی یک زیربنای کوهستانی با آنها مواجه هستند تبعیت کند. در معماری اورارتویی این دو مسئله دقیقاً به شکلی نمونه از طریق نوع زیرسازی دیوارها، تاسیسات بناها در پستی و بلندی زمین و همچنین از طریق پی‌سازی سنگی برای برپا کردن دیوارهای خشتی، حل شده است.

"هیتی"ها قبلاً در هزاره دوم قبل از میلاد برای تهیه یک زیربنای هموار با سطحی صاف برای برپا کردن بناها، به تراش صخره‌ها پرداخته بودند. (۱) این تکنیک را

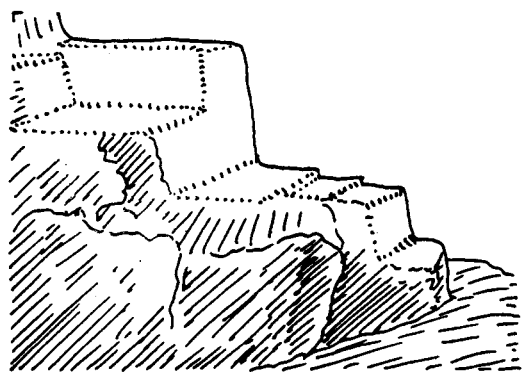
در طول قرن ۹ قبل از میلاد، در فلات مرتفع ارمنستان، از چندین قوم به تدریج رشد یافته غیر متحد، امپراتوری مقتدر اورارتو به وجود آمد. این امپراتوری با تاریخی متغیر تا اولین دهه قرن ۶ قبل از میلاد وجود داشت و در اوج قدرتش از خم غربی فرات در "ملتیه" (Malya) در ترکیه تا حدود اردبیل در ایران و از "لنین آکمان" (Leninakan) در جمهوری ارمنستان تا حدود "رواندوز" (Ruwandiz) در عراق بسط می‌یافت. به نظر می‌رسد کشور اورارتوها شدیداً متمرکز و نظامی رهبری شده باشد و این امر بیشتر از هر چیز آثارش در معماری پیدا شده است.

از منطقه اورارتو کم و بیش تا کنون کمتر از نیمی به دقت بررسی شده است. در بخشهای بررسی شده‌ای از کشورها به ویژه اطراف دریاچه "وان" (Van) (شکل ۱) در ترکیه، اطراف "ایروان" (Erevan) در جمهوری ارمنستان و در شمال غربی ایران در منطقه دریاچه ارومیه شبکه‌ای از راه‌های نظامی امن مشخص شده است که این راه‌ها تمام بخشهای سرزمین را با هم و با توشپا (Tuspa) (وان)، پایتخت، مرتبط می‌ساخته است. راه‌های مذکور عموماً مسیر رودخانه‌ها را دنبال می‌کرده‌اند و محوطه‌های مسکونی منفردی را که امروزه جای آنها را دشتهای مورد استفاده برای کشاورزی یا دره‌های عریض رودخانه‌ها گرفته‌اند، با



شکل ۱- طرح موقعیت نقاط مهم قلمه‌ها و محل‌های حفاری

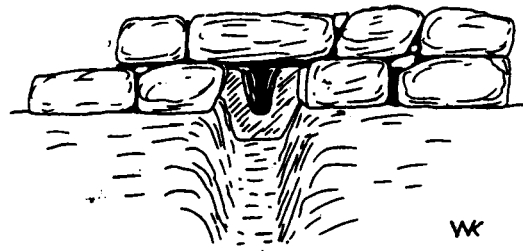
حجاری شده‌اند که از زیر دیوارها می‌گذرانند (شکل ۳). این سیستم کف‌سازی و هدایت آب باعث می‌شده است که دیوار بناهای اورارتویی در مقابل شرایط سخت آب و هوای کوهستانی نسبتاً غیر قابل نفوذ باقی بمانند. حجاری یاد



شکل ۲- تسطیح صخره‌ها در معماری اورارتویی برای بنا کردن دیوارها

اورارتوها از "هیتی"‌ها گرفتند و آن را به کمال رساندند. یک بنای اورارتویی اگر که روی صخره‌ای تقریباً افقی و شکننده قرار نگرفته باشد، همواره روی صخره‌ای پله‌پله بنا شده است (شکل ۲). صخره پله‌سازی شده، پلکانی شکل است، ولی ارتفاع پله‌ها متغیر و اندازه آنها در سطوح افقی متفاوت است. پله‌ها معمولاً تا حد ردیف دیوارهای برپا شده محدود شده‌اند و طبق خطوطی که از قبل مرزبندی را مشخص کرده است، صخره را برای کف‌سازی حجاری کرده‌اند. آنها امروزه هنوز هم در جایی که دیوارهای برپا شده در روی آنها کاملاً از بین رفته است، امتداد دیوار، ضخامت آن و حتی فاصله منظم جرزهای پیش‌نشسته در دیوار، را نشان می‌دهند. در فواصلی به عرض ۱۵-۲۰ سانتی‌متر و عمق ۱۰-۱۵ سانتی‌متر کانال‌های آبی در صخره

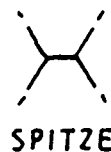
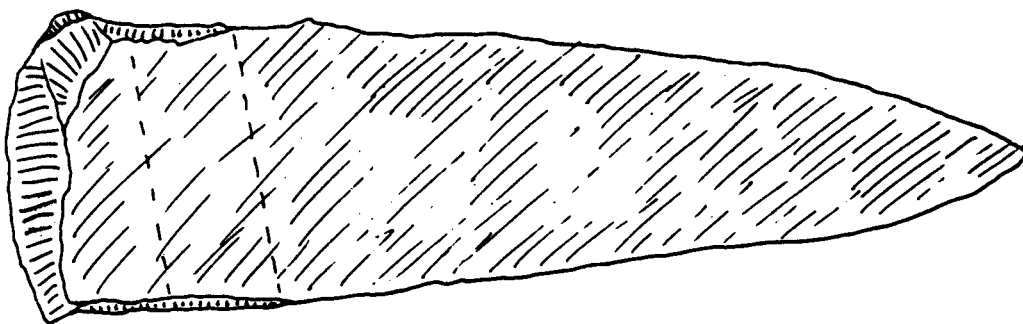
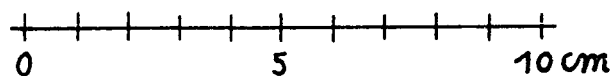
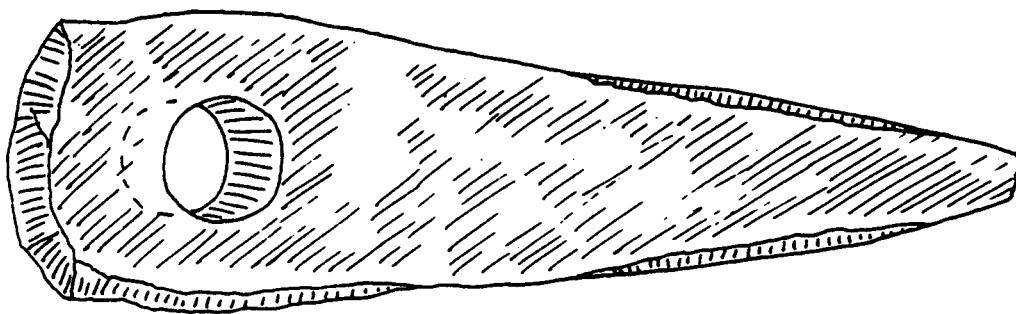
طریق زیر سازی استحکام بیشتری پیدا کرده است. سطح بالای زیر سازی سنگی پلکانی است و مجدداً با سنگهای کوچک و ریز تسطیح و تراز شده و سپس روی آن یک لایه آهک پاشیده شده است تا از رطوبت برخاسته از زیر سازی سنگی و نفوذش در دیوار خشتی بر پا شده در روی آن بکاهد و یا جلوگیری کند. حصارهای استحکامات اورارتویی ۴/۵ - ۵ متر ضخامت دارند و عرض دیوارهای داخلی بنا به ندرت زیر ۱/۲۰ - ۱/۵۰ متر است. آنها بدین ترتیب دارای همان ابعادی هستند که برای شرق کهن طبیعی است. از ضخامت دیوارها چند اشکوبه بودن حتمی بنا قابل تشخیص نیست. با این وصف باید در معماری اورارتویی طبق مدلهای برنزی اورارتویی (شکل ۵) و نقش برجسته‌های سنگی و همچنین تصاویر بناهای



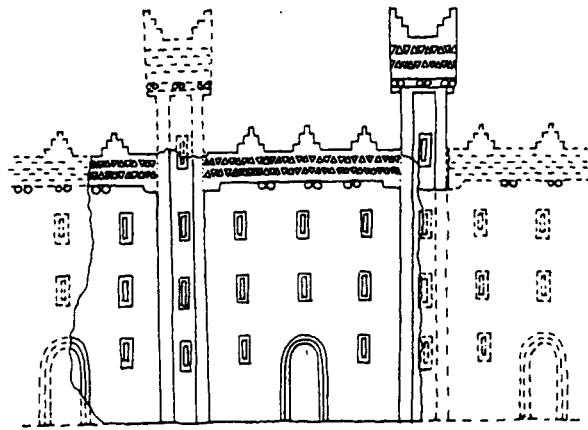
شکل ۳- حفر کانال هدایت آب در زیر یک دیوار

شده در صخره‌ها به وسیله تیشه‌های آهنی انجام می‌شده است (شکل ۴).

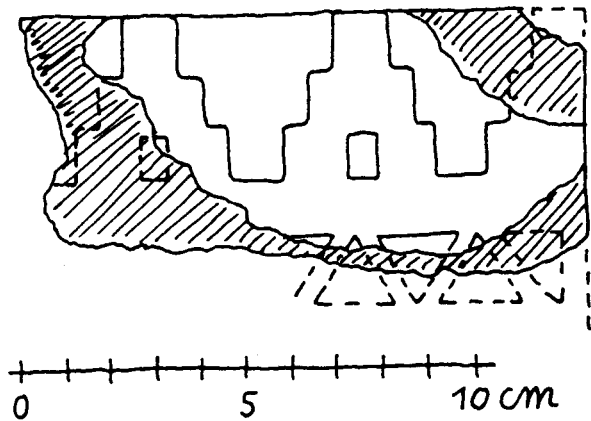
روی پله‌های ایجاد شده در صخره، دیوارهایی از قطعه سنگ با ارتفاع بسیار متفاوت بدون استفاده از ملات بر پا شده است. درز میان قطعه سنگهای بزرگ حجازی نشده با سنگهای کوچک و ریز و لاشه سنگ پر شده است. از این



شکل ۴- تیشه‌های اورارتویی، به دست آمده از بسطام



BRONZE MODELL AUS TOPRAKKALE



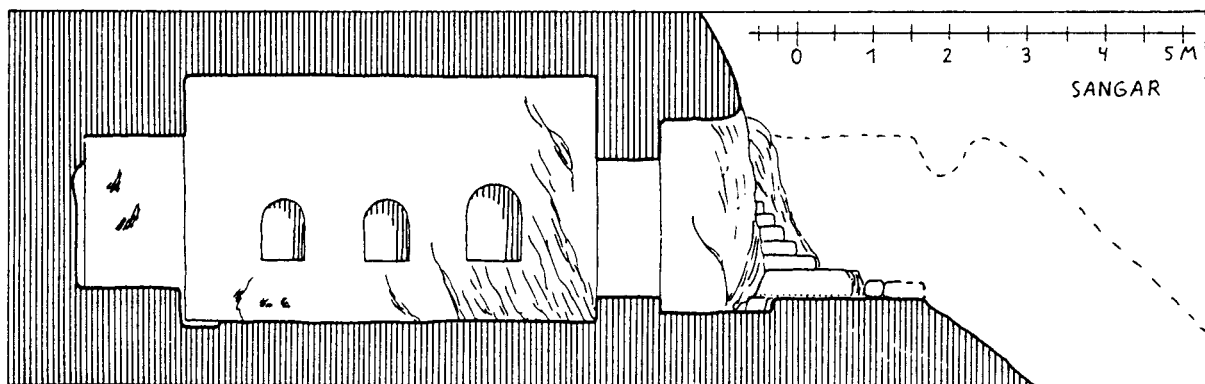
شکل ۵- مدل برنزی از توپراغ قلعه (موزه بریتانیا) و قطعه شکسته‌ای از سنگ، به دست آمده از بسطام (موزه ایران باستان، تهران).

کتیبه‌های صخره‌ای استفاده کرده‌اند.

همانطور که مدل‌های برنزی و چندین طاقچه سنگی در دیوار خشتی به دست آمده از حفاریات چاوش تپه (در جنوب شرقی وان) نشان می‌دهند، نمای دیوارهای اورارتویی به صورتی متنوع به وسیله طاقچه‌هایی با آذین پله‌پله تزئین یافته‌های است. گذشته از این همانگونه که باز هم مدل‌های برنزی تایید می‌کنند (شکل ۵) در معماری بناهای با اهمیت‌تر اورارتویی، یعنی به اصطلاح ساختمانهای عمومی، نمای دیوارها به وسیله جزرهای پیش نشسته‌ای تقسیم‌بندی شده است. این جزرهای پیش

اورارتویی به وسیله آشوریها، روی چند اشکوبه بودن بناها حساب شود. از تصاویر روی آثار زیویه از عاج نیز چند اشکوبه بودن بناها در معماری "ماننا"یی‌های همجوار با اورارتو، قابل تشخیص است. (۲)

تا آنجا که تا کنون مشخص شده است بناهای اورارتویی فاقد فضاهایی با سقف برجسته بوده‌اند. سقفها همانطور که در دخمه‌های صخره‌ای اورارتویی نیز دیده می‌شود، مسطح هستند. با این وصف اورارتوها با قوس آشنایی داشته‌اند و از آن برای مثال در دروازه‌ها (شکل ۵) و به شکل هلال در طاقنماهای دخمه‌ها (شکل ۶) و نیز



شکل ۶- گور صخره‌ای سنگر و طاقنماهای آن با رأس قوس‌دار، نزدیک ماکو.

نشسته (شکل ۷) در فواصل منظمی نظم یافته‌اند. از آنجا که پیش‌نشستگی جزرها از جبهه دیوار فقط ۵۰ - ۷۰ سانتی‌متر است به عنوان سنگرهای جانبی برای باروهای حصار مناسب نیستند و نتیجتاً وظیفه‌ای در استحکامات نظامی ندارند. آنها همچنین به عنوان ستونهای تقویتی در دیوارهای ضخیم، با توجه به اینکه باریک هستند، مناسب با محاسبات ساختمانی نمی‌باشند و فقط به عنوان آنچه که نما را تقسیم‌بندی می‌کند قابل درک هستند. بدین سبب همانگونه که از حفاریات "آرماویر" (۳) Armavir "کارمیر-بلور" (Karmir-Blur) و بسطام (۴) نتیجه‌گیری شده است در خانه‌های معمولی محوطه‌های مسکونی اورارتویی جزرهای پیش‌نشسته کاملاً نادر هستند و یا اصلاً به چشم نمی‌خورند. دیوارهای اورارتویی، حداقل دیوارهای خشتی، اندودی از گل داشته‌اند و ساختمانهای مهم دارای نقاشی دیواری بوده‌اند. (۵)

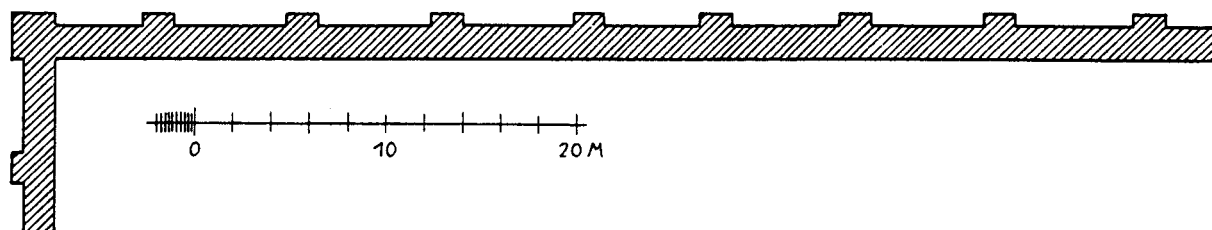
حصار استحکامات

معماریهای اورارتویی تا کنون شناخته شده، بیشتر حصار استحکامات بوده است. آنها به روشنی نشان می‌دهند که مرکز ثقل ماهیت معماری اورارتویی در تاسیسات استحکامات نظامی است. در این میان اندازه و ضخامت تاسیسات دفاعی، نمونه‌های مختلفی را عرضه می‌دارد. این در اصل اشاره به تاسیسات اورارتویی در شمال غربی ایران است که در سالهای اخیر آنها را مساحی کرده‌اند.

کوچکترین نوع تاسیسات دفاعی اورارتویی یک بنای مجزا در بالا دست یک محوطه مسکونی اورارتویی است که به عنوان پناهگاه برای ساکنان محوطه مسکونی و دزی برج مانند قابل قبول است. (۶) بنا با ۲۵/۳۰ متر طول و ۱۵/۴۰ متر عرض (ابعاد بیرونی بنا همراه با جزرهای پیش‌نشسته) مشرف بر یک محوطه مسکونی است که در سر راه میان دره ارس و دشت مرند (در دوره اورارتو پرجمعیت بوده است) قرار دارد. در عین حال این بنا می‌تواند به عنوان یک قرارگاه در سر راه مد نظر قرار گیرد.

قلعه اورارتویی واقع بر روی "عقرب تپه" که ۳۵ متر طول و ۳۰ متر عرض دارد (ابعاد بیرونی) نیز باید یک قرارگاه نظامی در نظر گرفته شود. این قلعه به دلیل اینکه از پائین‌ترین طبقه صخره‌ای یک صخره مرتفع در دشتی بعضاً مرطوب تبعیت می‌کند از نظر شیوه اجرای حصار از تاسیسات اورارتویی مستثنی است. به دو طرف دروازه اصلی قلعه در یک دوره اورارتویی جدیدتر دو برج اضافه گردیده و یک برج پیش‌نشسته دیگر جلوی آن را مسدود کرده است (شکل ۸). عقرب تپه باید در قرن ۸ قبل از میلاد به وجود آمده باشد و به نظر می‌رسد از نظر دفاعی با قلعه اورارتویی همجواری در روی ویرانه‌های حسنلوی چهار، مرتبط باشد.

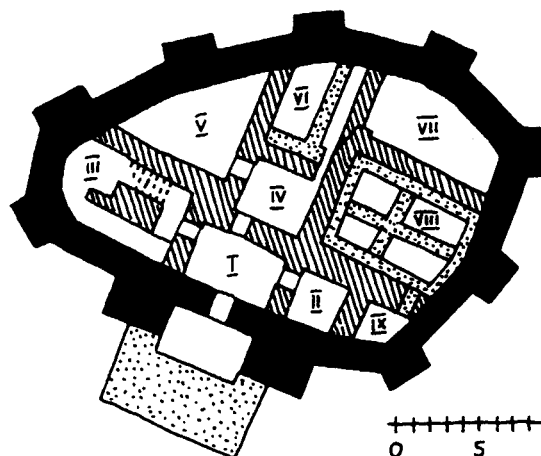
استحکامات روی "اوزوب تپه" «Uzubtepe» در ۳۰ کیلومتری شرق قلعه بزرگ بسطام نیز یک قرارگاه ساخته



شکل ۷- دیوارها با جزرهای پیش‌نشسته، مربوط به بنای شرقی در بسطام

حصار مستحکمی دارد که اساساً در قرن ۸ قبل از میلاد به وجود آمده است. در امتداد طول حصار قلعه اتاقهایی برای اسکان خدمه قرار دارد، ولی در فضای داخل قلعه ساختمان سازی نشده است (شکل ۱۰).

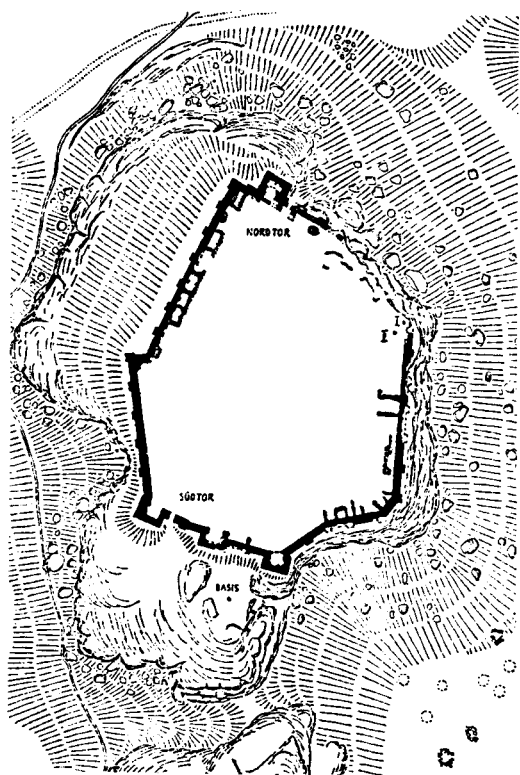
در قلعه اوغلو مثل بیشتر قلاع اورارتویی حصار طبق معمول در خطوط مستقیمی است که نسبت به هم زاویه



شکل ۸- نقشه قلعه عقرب تپه

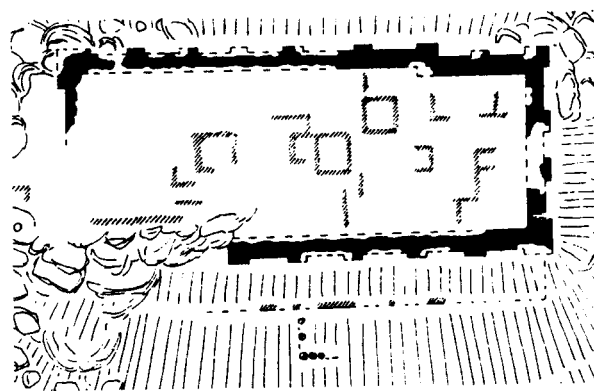
شده در قرن ۷ قبل از میلاد با خدماهای محدوده بوده است که از بسطام با کاروان یک روز راه فاصله داشته است. تاسیسات کاملاً مستطیل شکل ۷۲/۵۰ متر و ۳۱/۵۰ متر عرض دارد (ابعاد بیرونی) و از شرایط طبیعی پست و بلند ارضی که نشانه‌های قابل توجه در معماری اورارتویی ویژه قرن ۸ و ۷ قبل از میلاد است، تبعیت نمی‌کند (شکل ۹).

"قلعه اوغلو" در فاصله بین قلعه بسطام و ارس تاسیسات یک دژ نظامی اورارتویی به نسبت بزرگ در روی کوه است که یک محوطه مسکونی در پای آن قرار دارد. قلعه با ۱۴۰ متر طول و دست کم ۱۱۰ متر عرض

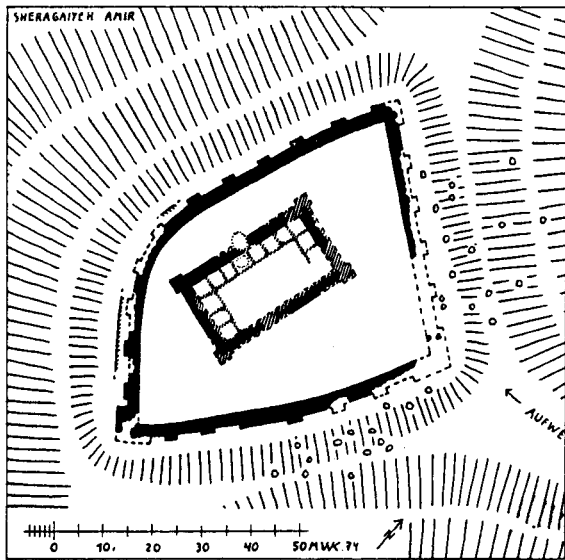


شکل ۱۰- نقشه قلعه اوغلو

دارند، ولی نزدیک صوفیان در بالای راس دایره شکل یک کوه قلعه‌ای قرار دارد که حصارش با خطوط مستقیم مدور است و خطوط در محل برخورد با هم پیش نشستگی پیدا کرده‌اند. طرح ساختمانی این قلعه مثل حصار قلعه اورارتویی حسنلو در کرانه جنوبی دریاچه ارومیه، در قرن ۸ قبل از میلاد اجرا شده است (شکل ۱۱). بنای دیگری به



شکل ۹- نقشه قلعه اوزوب تپه

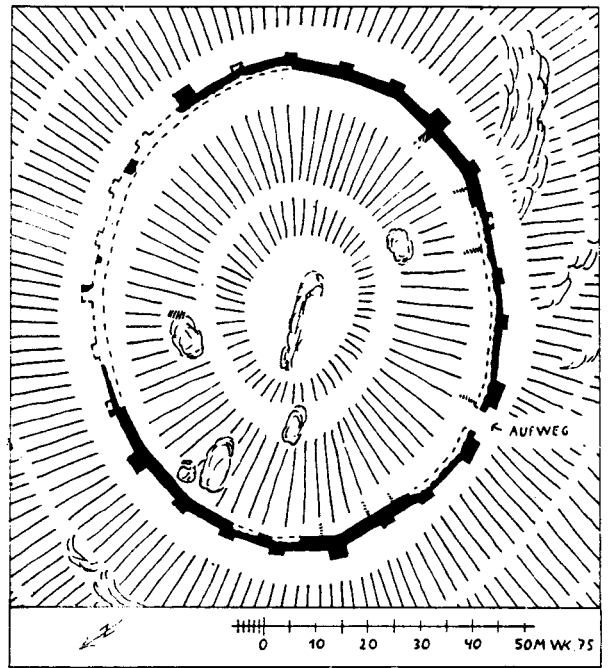


شکل ۱۲- نقشه قلعه چراگاه امیر.

طبیعی اراضی تبعیت نمی‌کند در قرن ۷ قبل از میلاد با کشیدن حصارهای اضافی همراه با تاسیسات دروازه‌های بزرگ، محصور و محفوظ شده است (۷) (شکل ۱۳). نقش برجسته اورارتویی این محل معروف است. قلعه ۲۴۵ متر طول و ۱۷۵ متر عرض دارد.

قلعه‌ای که در سنگر نزدیک ماکو است مربوط به قرن ۸-۷ قبل از میلاد است. این قلعه در ارتباط با یک محوطه مسکونی بزرگتر به عنوان اقامتگاهی قابل ارزیابی است که با یک دهلیز سه بخشی و پلکان صخره‌ای باید حومه یک دشت مسکون در جنوب شرقی کوه آرارات در نظر گرفته شود (۸). قلعه‌ای ۱۵۰ متر طول و دست کم ۷۵ متر عرض دارد.

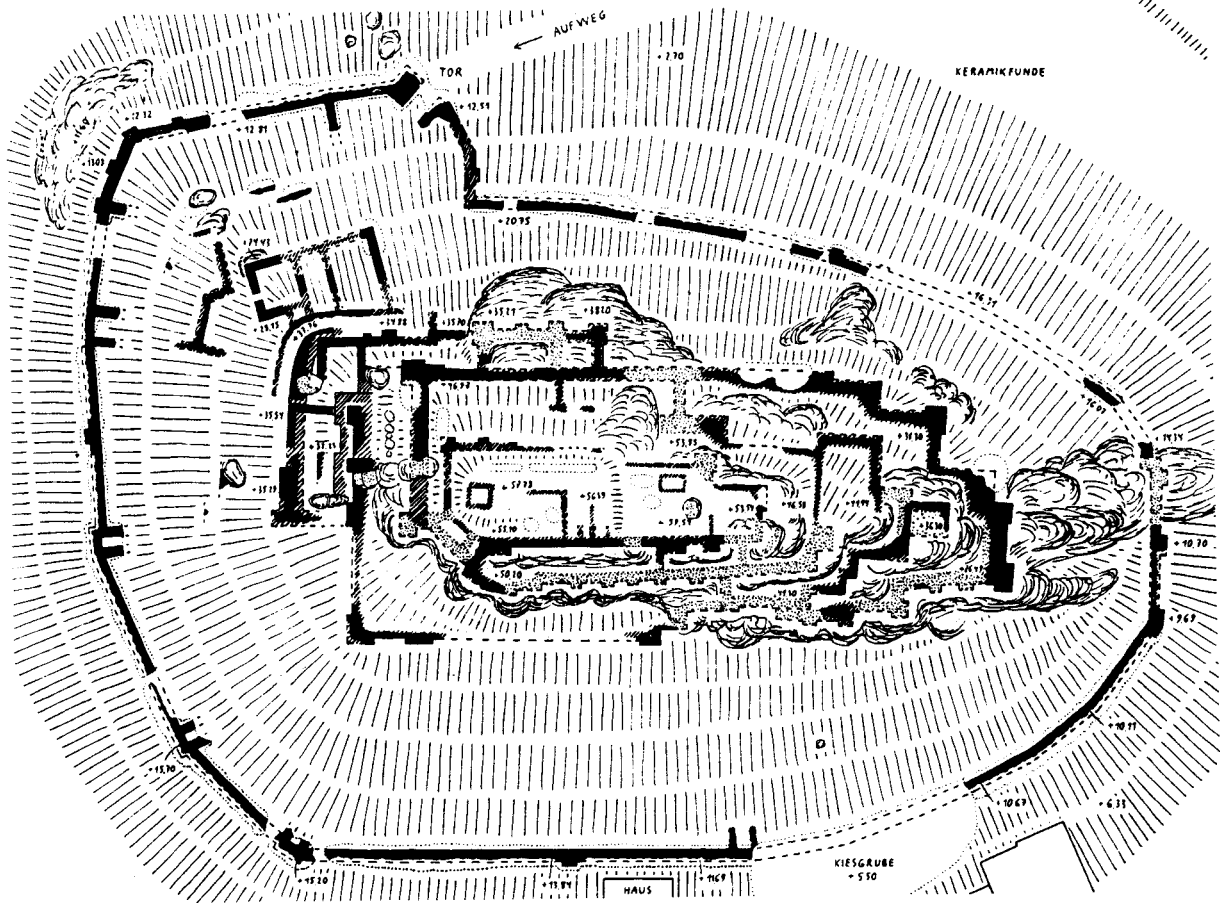
ورهرام با معبد و محوطه مسکونی گسترده در کنار ارس، تاسیسات قلعه محدود و محصور به طول ۷۲۵ متر و عرض ۳۳۰ متر است که تعدادی بنای برجسته و تراسهایی در درون تاسیسات دفاعی دارد. گسترش قلعه یا محوطه مسکونی به سمت جنوب است. ورهرام (شکل ۱۴) دارای



شکل ۱۱- نقشه قلعه گرشه نزدیک صوفیان، کنار تنگه دره رودخانه زاب کوچک.

وسعت ۱۳×۱۸ در شمال مرند در حاشیه دشت نزدیک "چراگاه امیر" قرار دارد که از چندین اتاق به دور یک حیاط تشکیل می‌شود و از نظر تاسیسات شبیه فرم کاروانسراهای اواخر دوره قرون وسطا است. این بنا نیز باید بنایی نظامی، یعنی یک قرارگاه بین راه باشد که بر اساس سفالهای به دست آمده مربوط به قرن ۸ قبل از میلاد است. این بنا در قرن ۷ قبل از میلاد دارای حصارهای سه گوش با جزرهای پیش‌نشسته شده و بدین ترتیب به تاسیسات یک قلعه تبدیل گردیده است (شکل ۱۲).

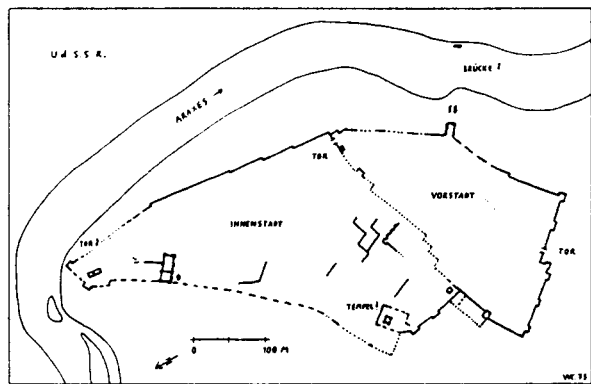
"قلعه سی" در نزدیکی "افقلو" (Evoghlu) که روی صخره‌های پرشیبی در سه تراس بنا شده تاسیسات یک قلعه صرفاً نظامی با وظایف نظامی است. این قلعه که احتمالاً مقر یکی از حکام ناحیه بوده در قرن ۹-۸ قبل از میلاد بنا شده است. تاسیسات کاملاً مستطیل شکل قلعه که از شرایط



شکل ۱۳- نقشه قز قلعه سی نزدیک اقلو.

اضافه می‌شود که مجموعه جدا از قلعه و محوطه مسکونی به شکل مستطیل ساخته شده است (شکل ۱۵).

بسطام در قرن هفتم قبل از میلاد شاهد شکوفایی خود بوده است. در اولین ربع قرن ۶، حدود ۵۹۰ قبل از



شکل ۱۴- نقشه قلعه وره‌رام.

دهلیزهایی صخره‌ای است. یافته‌های برنزی دارد (۹) و مربوط به قرن ۸-۹ قبل از میلاد است. محل، نزدیک معبری در روی رود ارس است که در جریان آن بقایای پلی اورارتویی به چشم می‌خورد.

قلعه و محوطه مسکونی بسطام نیز که بر اساس یافته‌ها مقر سلطنت اورارتوها بوده است مربوط به قرن ۷ قبل از میلاد است. قلعه بسطام از نظر وسعت و بزرگی بادو قلعه "وان قلعه سی" و "توپراغ" (Toprokkale) قلعه نزدیک وان قابل قیاس است. مساحت قلعه ۸۰۰×۴۰۰ متر و محوطه مسکونی ۶۰۰×۴۰۰ متر است. به این دو قسمت دیوار کشی کنار بستر رودخانه و یک مجموعه ساختمانی

کند و روی اوزوب تپه که یک قرارگاه اورارتویی در سر راه بسطام به دره ارس است و در حوالی افقلو و مرند) در آن وجود دارد، مجزا می‌کند.

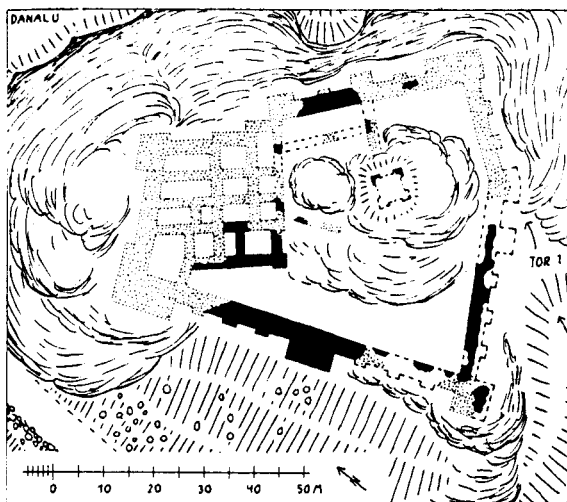
بسطام در کنار یک جاده اورارتویی مهم از نظر استراتژیکی و اقتصادی، قرار دارد. این جاده از بخشهای شرقی سرزمین به توشپا، پایتخت در کنار دریاچه وان می‌آمده است. بسطام در عین حال حومه سیاسی، نظامی، اقتصادی دره آق چای و دشت مورد استفاده برای کشاورزی قره ضیالالدین است که به وسیله کانالهایی، آبیاری و کشت و زرع می‌شود. روسای - اورو - تور در ضمن کانون مذهبی محدوده نیز محسوب می‌شود. کتیبه یاد شده اشاره به احداث معبری برای خدای "هالیدی" به وسیله روسای دوم دارد. منطقه قره ضیالالدین دست کم از دوره اورارتو به وسیله کانالهایی آبیاری می‌شده است و کانال اصلی آب آق چای را از بسطام تا محوطه مسکونی اورارتویی الله وردی کند در ۱۱ کیلومتری و احتمالاً زمانی هم تا قرارگاه اورارتویی اوزوب تپه در فاصله دورتر، هدایت می‌کرده است. اوزوب تپه بقایایی از یک محوطه مسکونی قرن ۳ قبل از میلاد را عرضه داشته است. دوره اورارتو و محوطه مسکونی ارمنه نقطه اوج فرهنگی و اقتصادی منطقه بسطام - قره ضیالالدین را تشکیل داده است. شهر قره ضیالالدین مرکز جدیدی است که محل داد و ستد و مقر اداری دشت محسوب می‌شود (جاده اسفالت‌های که از اروپا با گذشتن از ماکو به تبریز و تهران می‌رود و از کنار قره ضیالالدین می‌گذرد به حول و حوش جنب و جوش قابل ملاحظه‌ای داده است. سفر زیارتی سالانه ارمنه به کلیسای ارمنی سن تادیوس مقدس نیز از طریق قره ضیالالدین انجام می‌گیرد).

در تکامل استحکامات اورارتویی، دست کم در

اورارتوی شرقی تفاوت‌هایی در تاسیسات حصارها قابل تشخیص است. در قرن ۸ قبل از میلاد در حصارها برجهای مستطیل شکل بزرگی در فاصله‌هایی از هم ایجاد شده که بین آنها دو تا سه جزر پیش نشسته و گاهی نیز یک جزر پیش نشسته و بعضاً نیز چهار یا پنج جزر قرار داده شده است. قلعه "دانالو" (Danalu) نزدیک ماکو از آن جمله است که مقر یکی از اربابان محلی یا قرارگاه و پناهگاهها مردم دور و حوالی به شمار می‌رود (شکل ۱۶).

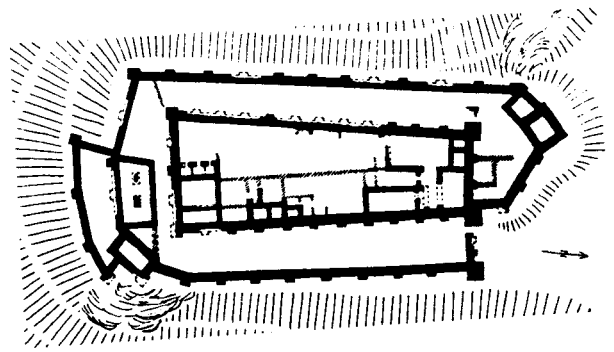
در قرن ۷ قبل از میلاد سیستم برجهای جسیم مستطیل شکل و جزرهای پیش نشسته میان آنها جای خود را به ردیف طولی از جزرهای پیش نشسته کاملاً یک اندازه می‌دهد، در حالی که با این وصف محدوده دروازه‌ها و گوشه‌های حصار طبق گذشته دارای برجهای مشخصی هستند. قلعه کوه "زنبیل" (kuh-i-sambil) در کرانه دریاچه ارومیه نمونه‌ای از این نوع حصار را نشان می‌دهد (شکل ۱۷).

در قلعه‌های اصلی قرن ۹ تا ۸ قبل از میلاد، تقریباً مثل قلعه سیاه نزدیک شرق ماکو ادغام این دو سیستم را



شکل ۱۶ - نقشه قلعه دانالو.

حصار اندازه بزرگتری دارند (همان طور که در بسطام، شکل ۱۹، عرضه شده است و در "قلعه اسماعیل آقا" در ارومیه قابل تشخیص است). در ورهرام در حصار تراسهای داخل تاسیسات چنین تقسیم بندی را می توان دید (شکل ۱۴). البته تاسیسات در اینجا مربوط به قرن ۸ قبل از میلاد است.

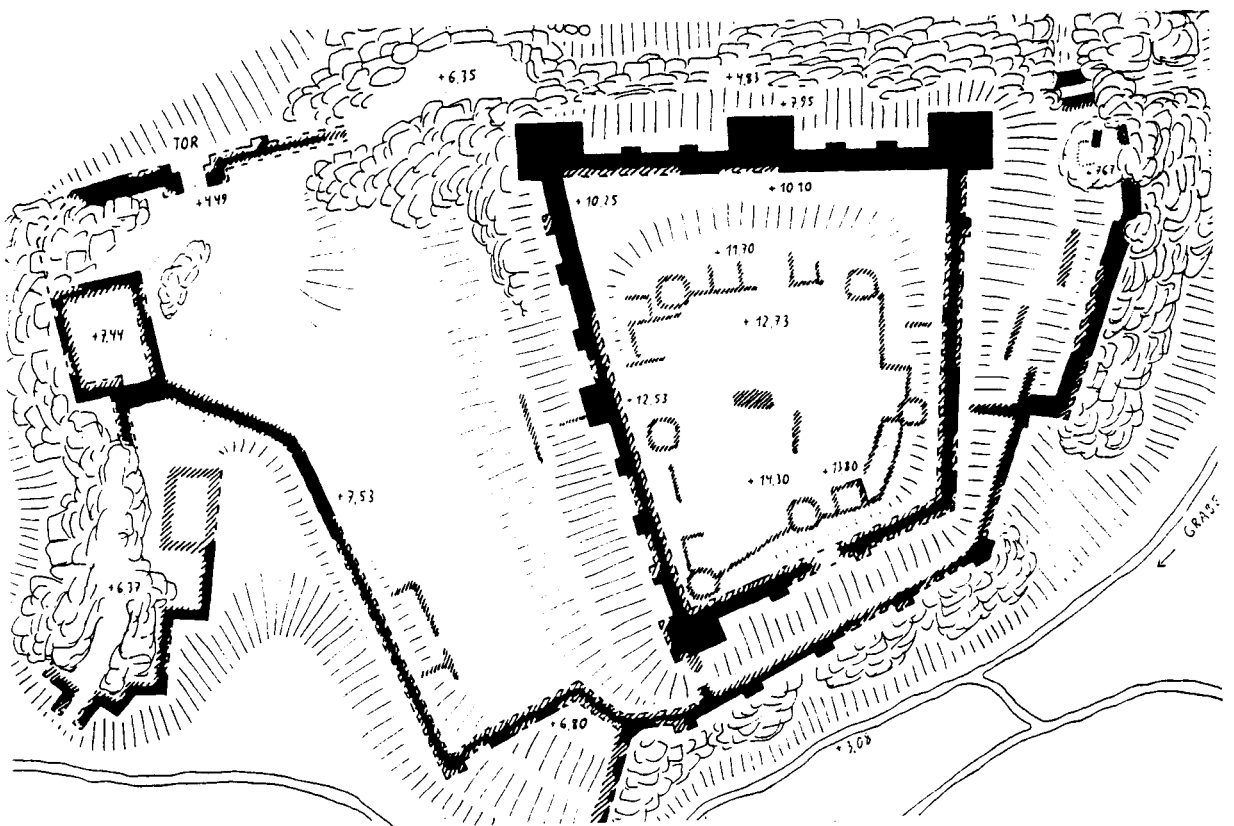


شکل ۱۷- نقشه قلعه کوه زنبیل.

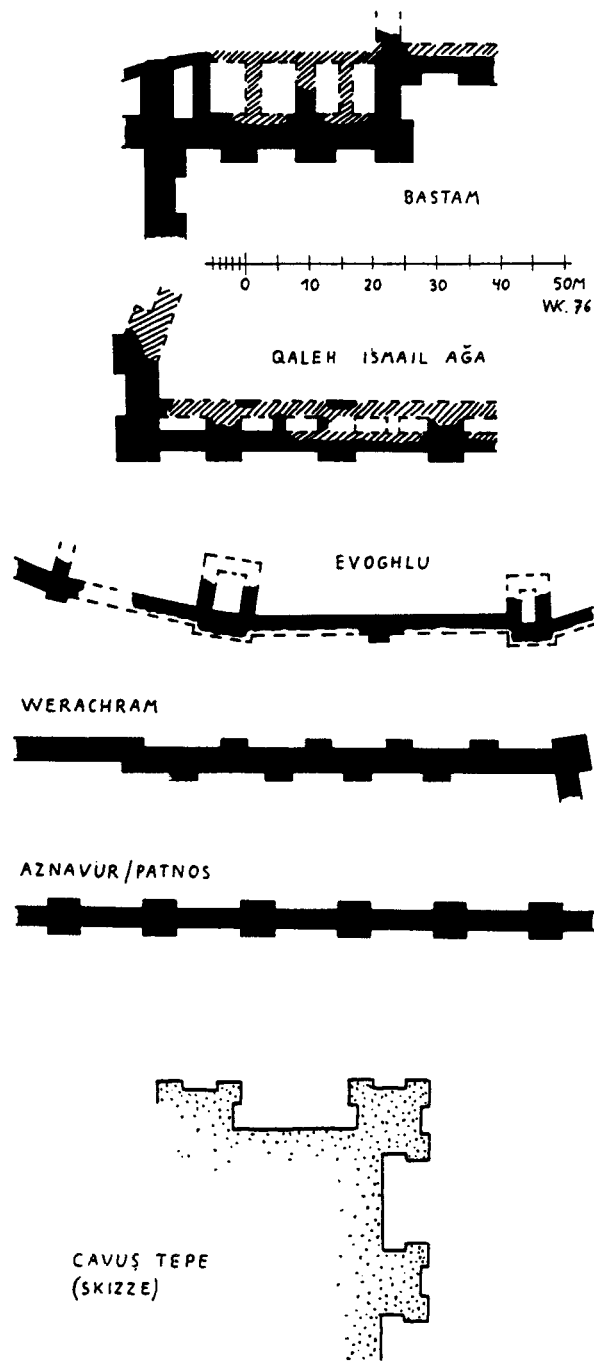
فرم برجهای حصار قرن ۷ قبل از میلاد قز قلعه سی نزدیک افقلو که در آن تاثیر برجهای بزرگ با جزرهای پیش نشسته قرن ۸ قبل از میلاد در بین آنها، از بیرون قابل تشخیص است، استثنایی است. برجها حداقل پیش نشستگی را دارند و از عمق جزرهای پیش نشسته در جبهه بیرون حصار تجاوز نمی کنند، در حالی که از داخل شدیداً کشیدگی پیدا کرده اند (شکل ۱۹).

همراه با بسط و توسعه هایی از قرن ۷ قبل از میلاد می توان پیدا کرد (شکل ۱۸).

در کاخهای قلعه مانند اورارتویی مربوط به قرن ۷ قبل از میلاد در تقسیم بندی حصار طول با ستیونها و طول باروها یک اندازه است. جزرهای پیش نشسته در جبهه



شکل ۱۸- نقشه قلعه سیاه.



شکل ۱۹- سیستم دیوارهای اورارتویی.

بناهای نمونه

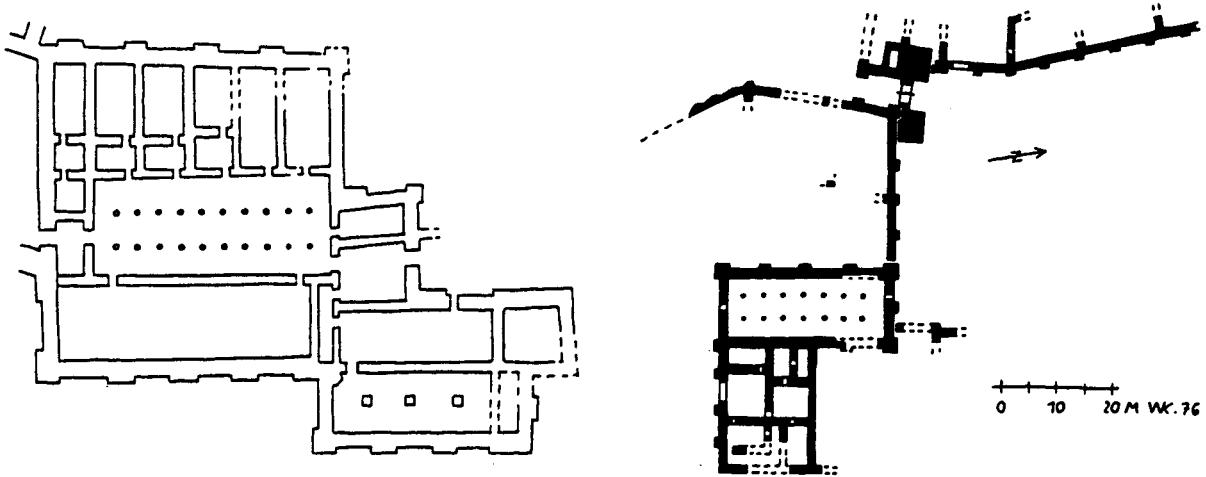
با حفاری در تعدادی از محوطه‌های اورارتویی بناهای نمونه‌ای شناسایی شد که بیشتر آنها متعلق به

برج‌های حصار وره‌رام که امتداد بخشی از آنها در پشتیهای رودخانه به چشم می‌خورد و از بیرون و درون دارای پیش‌نشستگیهای یکسانی هستند، شکل ویژه‌ای دارند. در اینجا برجها، هم در محور مستقیم و هم در محوری عقب‌نشسته ایجاد شده‌اند (شکل ۱۹). برجسته‌ترین نمونه از این نوع برجها با پیش‌نشستگیهای یکسان از درون و بیرون، حصار شهر "پانتوس" (pantos) در ترکیه است (شکل ۱۹).

حصارهای کاخی مثل کاووس تپه حتی در برج‌های گوشه‌ها و در جزرهای پیش‌نشسته حصار خود، تقسیماتی به شکل جزرهای پیش‌نشسته در زوایا دارند که این نشانه محتوای غنی نماهای اورارتویی است (شکل ۱۹).

بنای دروازه‌های اورارتویی معمولاً از دو برج سنگی مستطیل یا مربع شکل تشکیل می‌شود که در دو طرف معبر دروازه قرار می‌گیرند. بین این دو برج می‌تواند مثل دروازه جنوبی بسطام دروازه ساده‌ای قرار گیرد. البته در اینجا معبر دروازه از بیرون و درون چهار چوب طارمی شکلی داشته است (شکل ۲۱). در "حسنلو" یا در "گردش‌ره" نزدیک صوفیان در دو طرف دروازه جزرهای پیش‌نشسته‌ای قرار داشته است که در یک دوره اورارتویی جدیدتر احتمالاً به اتاقکهای دروازه تغییر شکل پیدا کرده‌اند (شکل ۱۱).

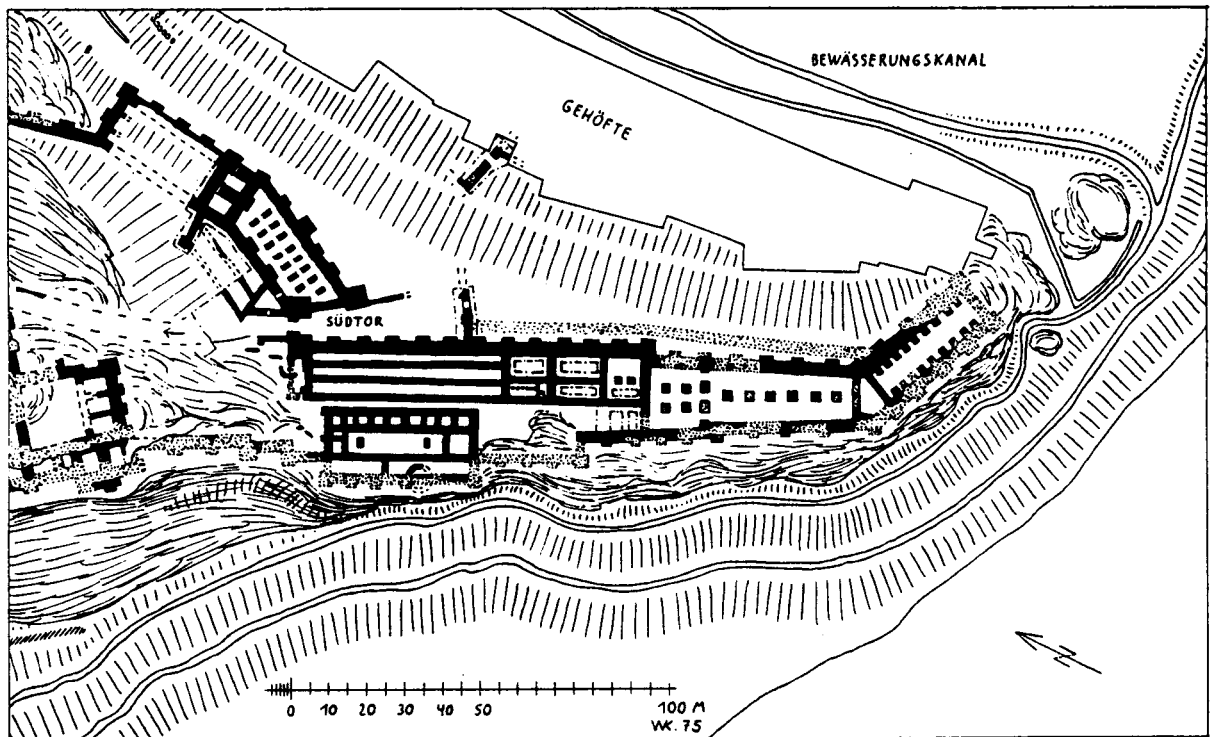
استحکامات قرن ۷ قبل از میلاد "قلعه سیاه" در شرق ماکو ورودی دروازه‌های ساده‌ای دارد که حتی با نگاه از بیرون کمی تو‌نشسته و سمت داخل آن دو جزر پیش‌نشسته در طرفین قد علم کرده است. در دوره اورارتو در کنار دروازه‌های ساده دروازه‌های اتاقکداری نیز به چشم می‌خورد که مربوط به قرن ۸ قبل از میلاد (مثل وره‌رام) و قرن ۷ قبل از میلاد (مثل کارمیریلور و دروازه شمالی بسطام) هستند.



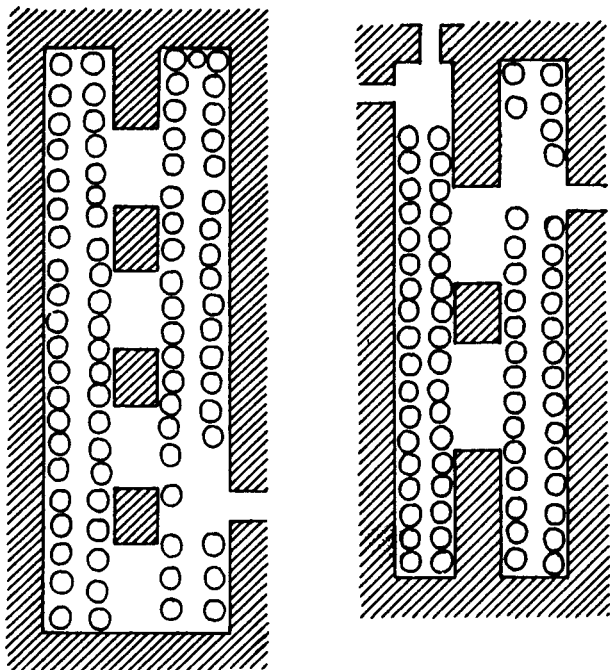
شکل ۲۰- بناهای تالار دار اورارتویی، آرماویر (سمت چپ)، بسطام (سمت راست).

معماری اورارتویی نماینده تالارها هستند و در شکل‌های ظاهری مختلف شناسائی شده‌اند. بناهای تالار دار از دژ سلطنتی بیوک قلعه "هیتی" ها در "بغاز کوی" شناخته شده هستند (۱۱). این بناها در دوره اورارتوها و مادها (۱۲)

تاسیساتی کاخ مانند هستند و همچنین بخشی از محیط‌های نیایشی به نظر می‌رسند. در کنار اتاقهای ساده مستطیل شکل فضاهایی مسقف با ابعاد بزرگتر (۸،۰ × ۴،۰ متر) وجود دارند (مثل آریز برد در جمهوری ارمنستان) (۱۰) که در



شکل ۲۱- نقشه قلعه پائین بسطام.



شکل ۲۳- کار میر بلور، انبارها.

مستطیل شکل جسیم در وسط هستند. ردیف ستونها انبارها را به دو بخش تقسیم می‌کند که در هر بخش غالباً دو ردیف خمره قرار دارد (شکل ۲۳).

محوطه‌های مسکونی و خانه‌ها

با وجود اینکه هر یک از خانه‌ها به سبب الحاقات دائمی به بنای موجود به شکل بهم چسبیده‌ای توسعه یافته است، ولی محوطه‌های مسکونی اورارتویی تقریباً به سبب موقعیت موازی بناها و ردیفهای کم و بیش مستطیل شکل

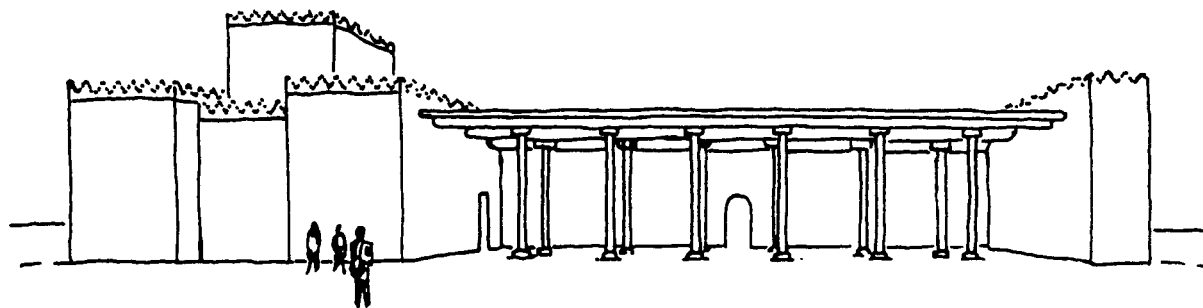
همواره تکامل یافته و به معماری هخامنشی انتقال پیدا کرده‌اند و در پاسارگاد (۱۳) و تخت جمشید (۱۴) به بالاترین درجه تکامل خود رسیده‌اند.

بناهای تالاردار اورارتویی معمولاً سه بخشی هستند (مثل آنچه که در کاخ قلعه غربی در آرگیشتی هینیلی "آرماویر" در جمهوری ارمنستان و در بسطام در بنای تالار دار دروازه شمالی دیده می‌شود، شکل ۲۰). آنها غالباً از تالارهای ستوندار دو بخشی که معمولاً از نظر کاربرد بناهای نمونه‌ای نیستند و بیشتر انباری یا فضاهایی سربازخانه شکل (مثل بسطام در محدوده دروازه جنوبی شکل ۲۱) بوده‌اند، متمایز می‌شوند. البته در بسطام تالارهای ستوندار سه بخشی نیز دیده می‌شود.

تالارهای ستوندار دو و سه بخشی با زیرسازیهایی سراسر سنگی (مثل بسطام در دروازه جنوبی) می‌توانند در طبقه مورد بهره‌برداری به عنوان سراسراهایی با دو ردیف ستون چوبی بازسازی شوند (شکل ۲۱). در "آرین برد" «Ari nberd» تالاری که یک ضلع عریض آن باز و آزاد بود با دو ردیف ستون چوبی به وسیله حفاران بازسازی شده است (شکل ۲۲). (۱۶)

انبارها

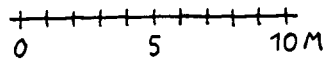
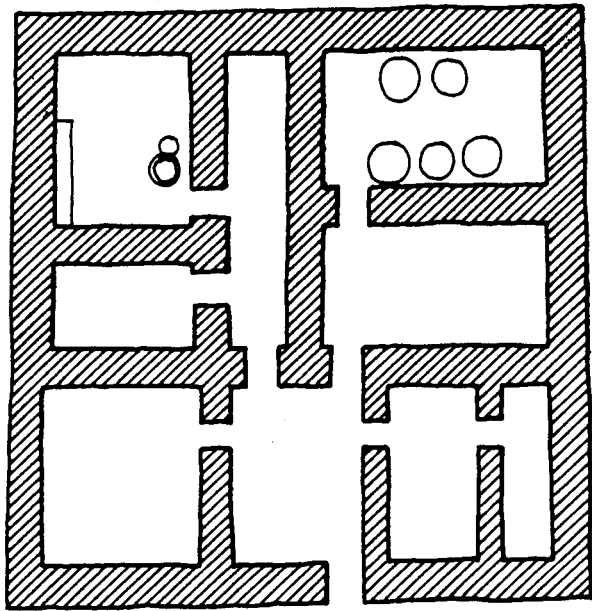
انبارها معمولاً فضاهای طویلی با یک ردیف ستون



شکل ۲۲- آرین برد، تالاری با یک ضلع باز و آزاد.

همانند بسطام و کارمیر، شکل ۲۴) قابل شناسایی هستند. "سرنخی تپه" «zerankitepe» (شکل ۲۶) در ترکیه یک محوطه مسکونی طرح ریزی شده است که با طرح شطرنجی کاملاً مستطیل شکل خود بر اصول طرح شهرسازی هلنیستی دوره‌های بعد پیشی جسته است. البته بسیار احتمال دارد که سرنخی تپه مربوط به یک تاسیسات نظامی باشد، در حالی که در محوطه مسکونی بسطام یک قلعه غیر نظامی اورارتویی قابل شناسایی است (شکل ۱۵)

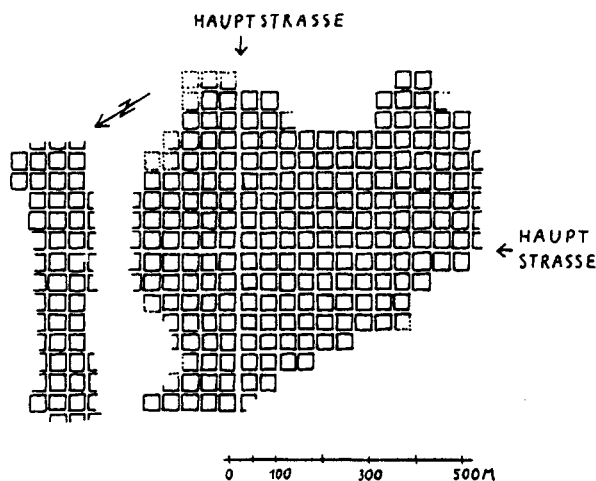
خانه‌های اورارتویی معمولاً با رعایت اصول فضاهای مستطیل شکل که شامل الحاقات نیز می‌شود بنا شده‌اند. دیوارها به دقت بالا رفته است و دو اشکوبه بودن بنا را قاعدتاً می‌توان پذیرفت. کاربرد فضاهای منفردی به عنوان انبار، از طریق اجزاء ساخته شده‌ای مثل نشیمنگاه، کف سازی، حوضچه آب، خمره‌های آذوقه و یافته‌های ویژه دیگری می‌توان شناخت. خانه‌های محوطه‌های مسکونی اورارتویی معمولاً تقسیم بندی‌هایی به شکل جزرهای پیش نشسته در نمای خارجی ندارند و این نوع معماری به نظر



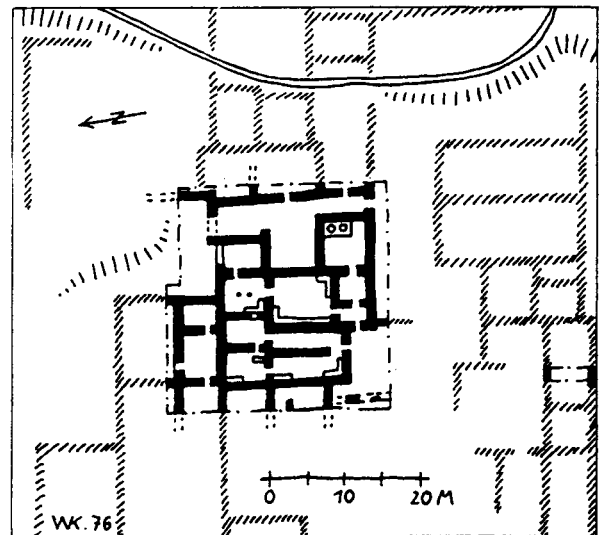
شکل ۲۵- نقشه آرگیشتی هینیلی (آرامویر).

می‌رسد که برای ساختمانهای عمومی پیش بینی شده باشد (شکل ۲۵).

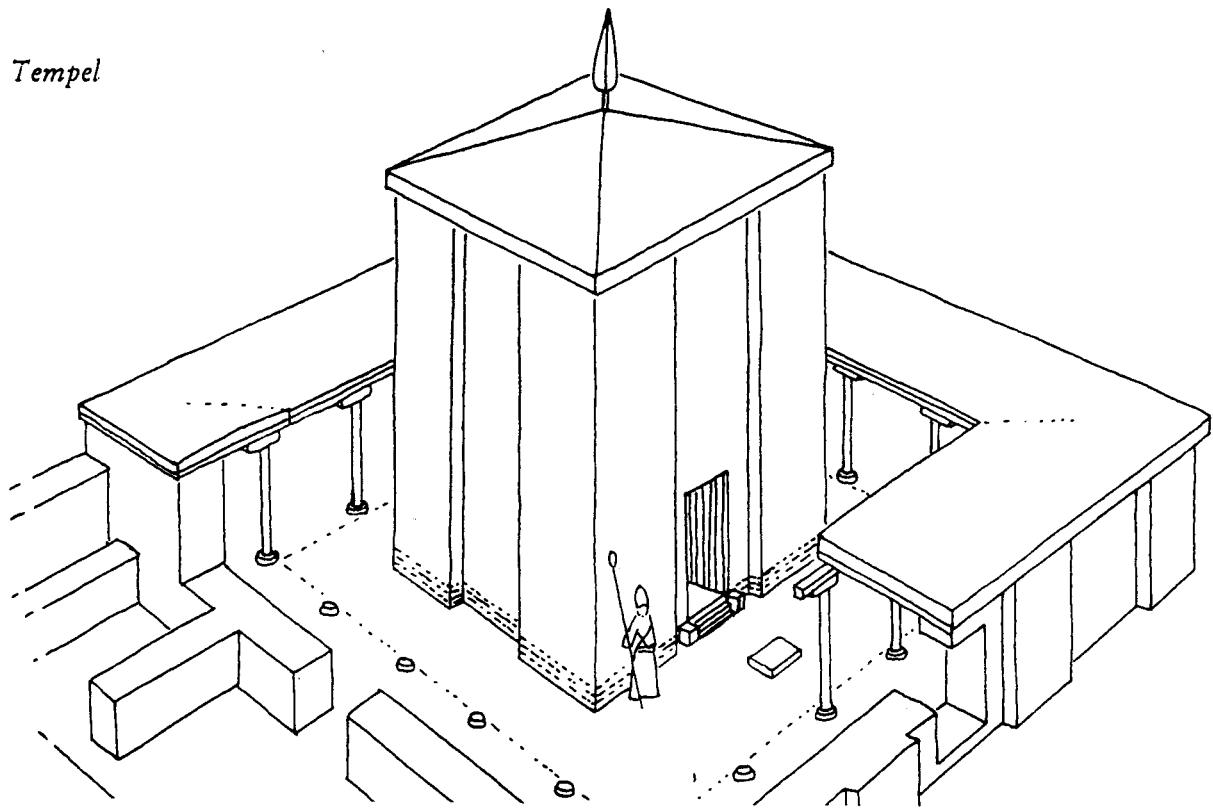
از معابد اورارتویی تا کنون فقط یک طرح اصلی در



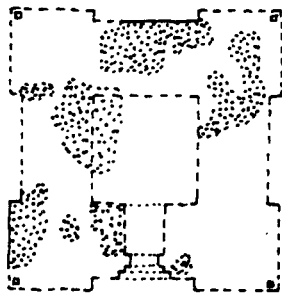
شکل ۲۶- نقشه سرنخی تپه.



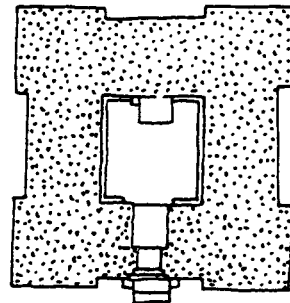
شکل ۲۴- نقشه خانه‌های محوطه مسکونی بسطام.



ALTINTEPE



TOPRAKKALE



0 5 10M WK.76

شکل ۲۷- باسازی و نقشه برج معابد اورارتویی.

برج در گوشه‌ها برای آن قابل حدس است. شکل معبد برج مانند با سقف خیمه‌ای به نظر می‌رسد در ارتباط با بناهای برج مانند هخامنشی در پارسارگاد و تخت جمشید باشد که بدین ترتیب باید آنها تحت تأثیر این شکل باشند (۱۹). یک معبد اورارتویی در آراین بردزبه نظر می‌آید که بر اساس مشاهدات جدید طوری در دوره هخامنشی تغییر

پنج نمونه شناخته شده که همان طرح معبد مربع شکل با پیش‌نشستگی در گوشه‌ها است (شکل ۲۷). این شکل معبد به دلیل دیوارهای ضخیم (۱۳۵-۴/۲۵۲ متر) در ابعاد نسبتاً کم از خارج (۱۰-۱۳/۸۰ متر) به عنوان معبد برج مانندی می‌تواند بازسازی شود که سقفی به شکل سقف یک خیمه یا یک سقف مسطح همراه با چهار

معبد محرابی تعبیه شده بود که هدایای نذر شده در آن قرار می‌گرفت. معبد در ارتباط با فضا مکانی به نظر می‌رسد که به وسیله بناها یا سرسراها در شکل حیاط احاطه شده است (شکل ۲۷).

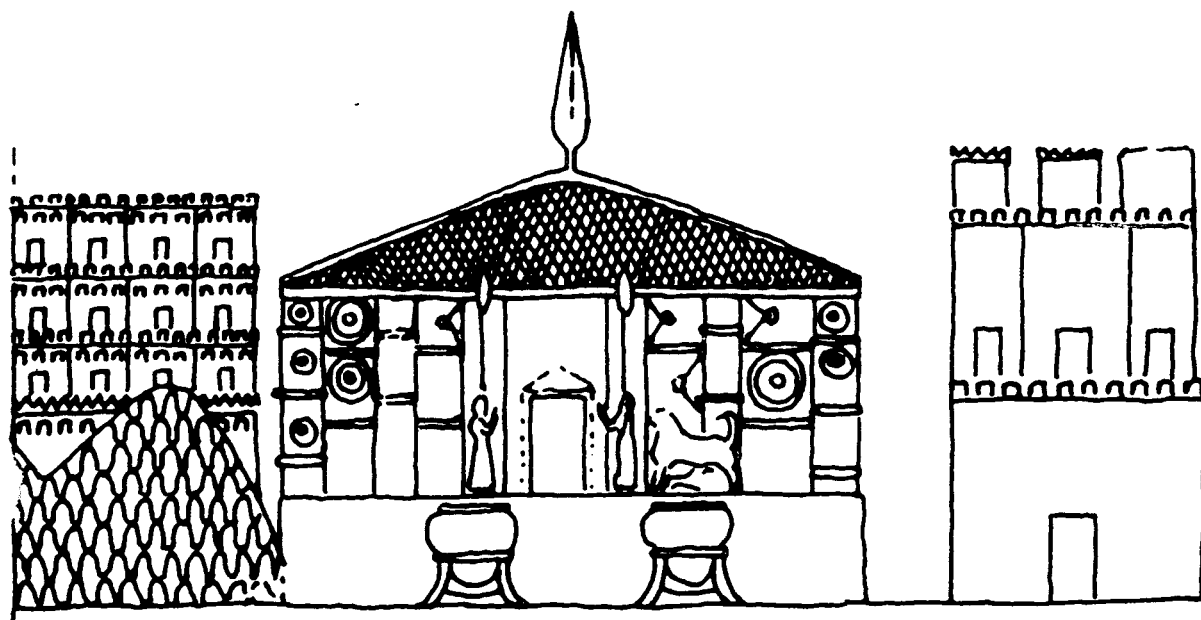
تاسیسات آبرسانی

اورارتوها جدا از نگهداری دام به صورت گسترده‌ای به کار کشاورزی می‌پرداخته‌اند. بقایایی از کانالهای آبیاری در مناطق اورارتویی (مثل بسطام) شاهد این امر است.

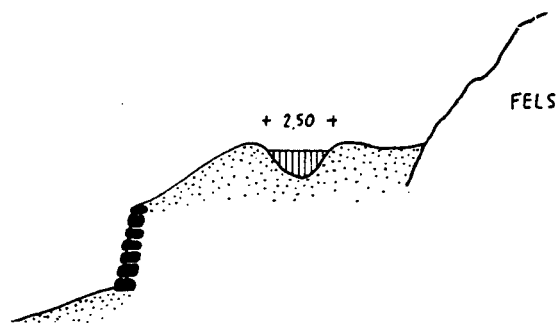
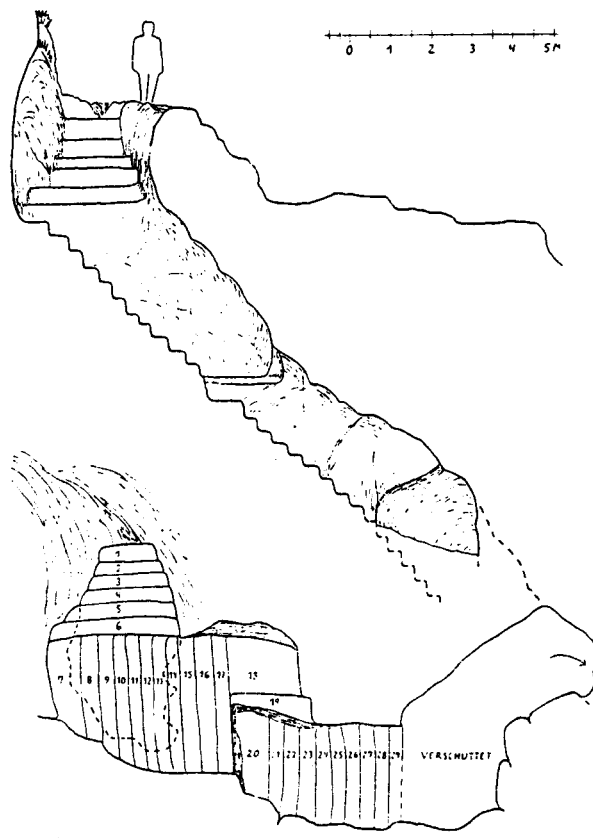
معروفترین و مهمترین کانال، کانال "منوئه" یا به غلط "سمیرامیس کانال" نامیده شده است که از فاصله دور آب را به "توشیا" (وان) پایتخت اورارتو می‌رسانده است (شکل ۲۹). این کانال به وسیله "منوئه" پادشاه اورارتو در اوایل قرن ۹ قبل از میلاد تعبیه شده است. دیوارهای سنگی مخازن آب و دیوارهای حفاظتی برای کانالیزه کردن آب رودخانه در مواقع طغیان، مثل آنچه که در آق چای بسطام است، گواه بر تاسیسات آبرسانی اورارتوها در قرن ۷ قبل از

ساختمان پیدا کرده است که از معبد اصلی مربع شکل با گوشه‌های پیش نشسته طرحی مستطیل شکل بدون گوشه‌های پیش نشسته ایجاد شده است. لکن این معبد نیز که تاکنون ششمین معبد بیرون آورده از خاک است به نظر می‌رسد که در اصل شکل مربع معبد برج مانند را داشته است. در بسطام و وره‌رام آثاری از معبد مربع شکل را می‌توان دید (شکل ۱۴/۵).

از طریق یک نقش برجسته آشوری به نظر می‌رسد شکل دومی از معابد اورارتویی انتقال یافته باشد. این نقش غارت معبد "هالدی" در "موساسیر" (musasir) را به دست آشوریه‌ها (۷۱۴ قبل از میلاد) تصویر می‌کند. در این جا (شکل ۲۸) شش ستون در نمای ورودی یک بنای ساخته شده بر روی سکویی بلند، نشان داده شده است که سقفی شیبدار (۲۱) یا خیمه‌ای شکل دارد و یک پیکان بلندترین نقطه سقف را تزئین کرده است (۲۲). معابد مربع شکل با چنین فضای اصلی در اندازه ۵×۵ متر تا ۵/۳۰×۵/۳۰ متر دارای سکویی در دیوار مقابل در ورودی بوده‌اند. در جلوی



شکل ۲۸- نقش برجسته موساسیر.



شکل ۲۹- برش کانال نمونه .

میلاد است. بقایای معماری در منطقه ورهرا نشان دهنده یک پل اورارتویی روی رود ارس است (شکل ۱۴) که می‌تواند در قرن ۸ قبل از میلاد ساخته شده باشد.

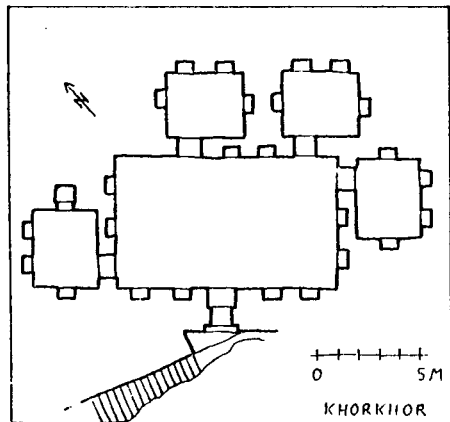
تونلهای پلکانی صخره‌ای

تونلهای پلکانی صخره‌ای در چند نمونه از قلعه‌های اورارتویی قابل مشاهده است که غالباً با استفاده از شکافهای طبیعی صخره‌ها در پیچ و خمهایی به پائین هدایت شده‌اند. بیشتر تونلهای شناخته شده به چشمه‌ها یا کنار رودخانه‌ها منتهی می‌شوند و بدین ترتیب محفوظ از دید دشمن تامین آب قلعه را به عهده داشتند. در نمونه‌های دیگری که بخش پائین آنها فرو ریخته است احتمال این وظیفه بیشتر است (شکل ۳۰). با توجه به این امر در تعداد زیادی از قلعه‌های اورارتویی که امکان شناسایی آب انبار یا تاسیسات دیگری جهت تامین آب در آنها نیست و موضوع تهیه آب تازه لاینحل به نظر می‌رسد، حدس زده می‌شود که چنین تونلهای پلکانی صخره‌ای در آنها امروزه به کلی فرو ریخته باشد.

قبور و دخمه‌های صخره‌ای

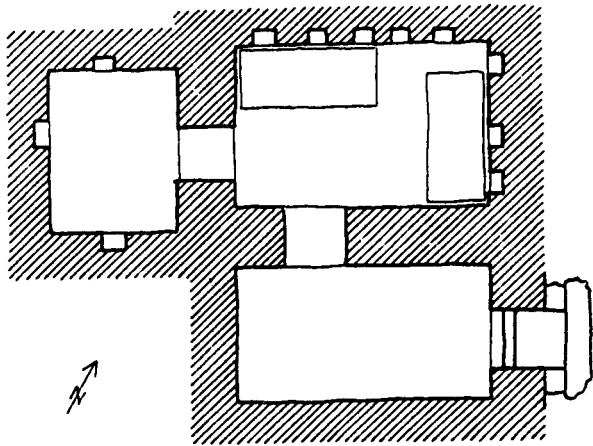
در ارتباط با مکانهای اورارتویی رقم بزرگی از دخمه‌های صخره‌ای شناسایی شده است که معمولاً به عنوان گورهای صخره‌ای از آنها صحبت می‌شود. این گورهای

شکل ۳۰- تونل پلکانی صخره‌ای قلعه حیدری .

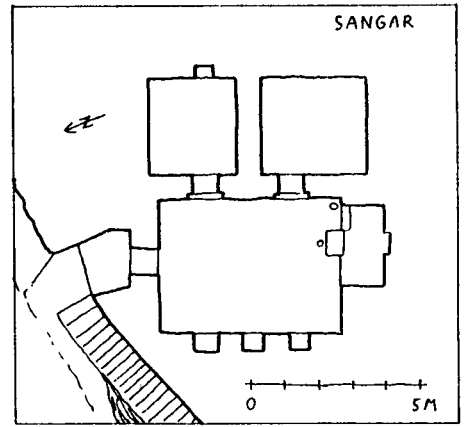


شکل ۳۱- دخمه صخره‌ای خورخور (وان).

صخره‌ای از نظر اندازه و نوع تجهیز بسیار متفاوت هستند. مهمترین نمونه گور دخمه‌های صخره‌ای اورارتویی دخمه نسبت داده شده به پادشاهان در صخره‌های "وان قلعه سی" نزدیک وان (۲۳) است (شکل ۳۱). در جلوی ورودی



شکل ۳۳- بنای مقبره در آلتین تپه.



شکل ۳۲- دخمه صخره‌ای سنگر نزدیک ماکو.

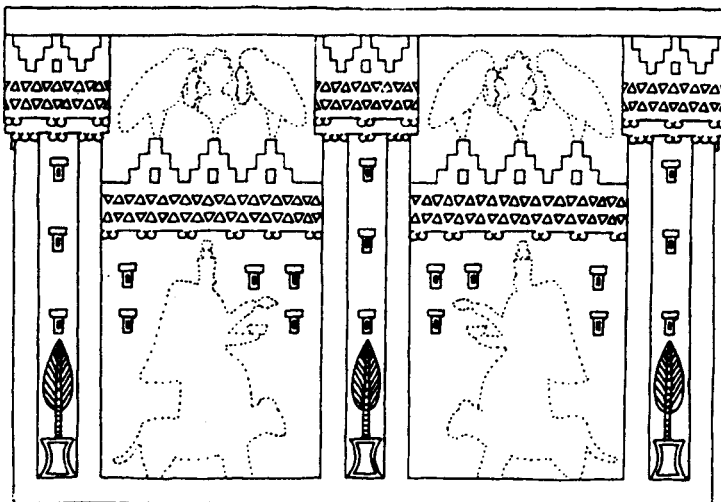
دیوارها مورد استفاده قرار گرفته است (شکل ۳۳).

هنر نقش برجسته سنگی در بناها

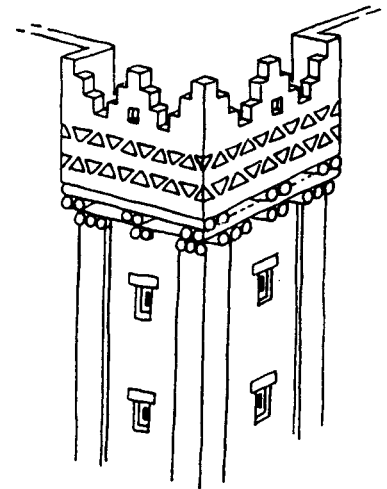
در بناهای نمونه اورارتویی تا کنون به صورتی منفرد نقش برجسته‌هایی سنگی شناسایی شده است (مثل آنچه که در "عادل سواز" در ترکیه و نشانه‌هایی در بسطام و محوطه‌های دیگر اورارتویی دیده شده است).

این نقش برجسته‌ها در مواردی نقش خدایان یا نقشی از معماری یک بنا است (مثل قطعه سنگ شکسته‌ای از بسطام که شبیه مدل برنزی اورارتویی، شکل ۶ است).

دخمه‌ها در مواردی پله‌های صخره‌ای ایجاد شده است و همواره گور دخمه‌های بزرگتر از دخمه‌های زیادی که از دخمه اصلی منشعب شده است، تشکیل می‌شوند. دیواربیشتر دخمه‌های صخره‌ای اورارتویی طاقچه‌هایی مستطیل شکل یا طاقچه‌هایی با راس قوس دار ایجاد شده است (شکل ۳۲). به طوری که نتایج حفاریات در "آلتین تپه" نشان داده شکل گور دخمه‌ها به معماری گورهای ساخته شده با سنگ انتقال داده شده است، بدین نحو که در آنها تعدد دخمه‌ها و همچنین تقسیم‌بندیهای طاقچه‌ای



شکل ۳۴- نقش برجسته سنگی اورارتویی در عادل سواز.



Anmerkungen

- ¹⁾ In Bogazköy am Tempel I, siehe K. Bittel, Die Ruinen von Bogazköy (1937) 55, Abb. 40.
- ²⁾ C. K. Wilkinson, Ivories from Ziviye (1975) Fig. 13.
- ³⁾ A. A. Martirosjan, Argishtihinilj (1974) Haus Nr. 1 Abb. 39), Haus Nr. 3 (Abb 42), Haus Nr. 6 (Abb. 44), Haus Nr. 8 (Abb. 45).
- ⁴⁾ Archäologische Mitteilungen aus Iran, N. F. 5, 1972, 34 f.
- ⁵⁾ C. Hovhannissian. The Wall-Paintings of Erebooni (1973); T. Özgüç, Altintepe I, Architectural Monuments and Wall Paintings (1966) 47ff.
- ⁶⁾ Archäologische Mitteilungen aus Iran N. F. 5, 1972, Abb. 21.
- ⁷⁾ R. Ghirshman, Beiträge zur alten Geschichte und deren Nachleben. Festschrift für Franz Altheim I (1969) 35ff. Abb. 8—9.
- ⁸⁾ Istanbul Mitteilungen 18, 1968, 3ff. und Abb. 3.
- ⁹⁾ B. B. Piotrovskii, Urartu. The Kingdom of Van and its Art (1967) 82ff., Abb. 59—61.
- ¹⁰⁾ Sovjetskaija Archaeologia 1960, Nr. 3, 289, Abb. 1.
- ¹¹⁾ K. Bittel, in: Neue Deutsche Ausgrabungen im Mittelmeergebiet und im vorderen Orient (1959) 89f. Beilage 2.
- ¹²⁾ Tepe Nush-i Jan: Sylvia A. Matheson, Persia: An Archaeological Guide (1972) Fig. 19.
- ¹³⁾ Ali-Sami, Pasargadae (1956) 48 und 54.
- ¹⁴⁾ Persepolis I (1953) Pl. 68.
- ¹⁵⁾ T. Özgüç, Altintepe II Fig. 3.
- ¹⁶⁾ Sovjetskaija Archaeologia 1960, Nr. 3, 289, Abb. 1.
- ¹⁷⁾ E. Akurgal, Urartäische und Altiranische Kunstzentren (1968) 15, Abb. 1.
- ¹⁸⁾ T. Özgüç, Altintepe I (1966) 4, Fig. 1 (mit nach oben offener Cella); R. Naumann, Istanbul Mitteilungen 18, 1968, 52, Abb. 3
- ¹⁹⁾ D. Stronach, Urartian and Achaemenian Tower Temples. Journal of Near Eastern Studies Vol. 26, No. 4, 1967, 278f.
- ²⁰⁾ B. B. Piotrovskii, Urartu- The Kingdom of Van and its Art, 1967, 96, Abb. 64.
- ²¹⁾ R. Naumann, Istanbul Mitteilungen 18, 1968, 52, Abb. 1 u. 2.
- ²²⁾ W. Kleiss, ebenda 13/14, 1963/1964, 1, Abb. 6.
- ²³⁾ B. B. Piotrovskij, Il regno di Van[Urartu] (1966) 301ff.

• این اسم را آقای محمد جواد مشکور در تاریخ اورارتو و سنگ نبشته‌های اورارتویی آذربایجان عادل جواس ثبت

کرده‌است.

مشکور - محمد جواد. تاریخ اورارتو و سنگ نبشته‌های اورارتویی در آذربایجان مؤسسه مطالعات و بررسیها و

کاوشهای علمی و هنری و تاریخی ایران باستان، تهران ۱۳۴۵ ص ۳۷